

الباب الثاني و العشر من الواحد الثاني في بيان الصراط و انه حق.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني و العشر من الواحد الثاني في بيان الصراط و انه حق.

ملخص این باب آنکه مراد از صراط در هر زمانی ظهور الله و امر او بوده هر کس مستقر بوده بر صراط حق بوده و الا بر دون صراط و مثل صراط مثل ظهور نقطه بیان بود که از برای اشخاصی که ایمان با آورده از سموات و ارض اوسع بل از سماء مقبولات و ارض قابلیات اجلی تر

و ممرین بر این صراط که آیات بیان باشد بدرجات بوده بعضی در نزد استماع گفتند بی و ربنا هذا هو الحق من عند الله لا ریب فیه تنزیل من رب العالمین ایشان از صراط گذشته اقرب از وصل بنفس وصل و بعضی بدون استماع کلمات بنظر بر او ایمان آورده و ایشان از صراط گذشته اقرب از کاف کن بنون آن و بعضی آیات الله را شنیده و بقدر ما یطلق علیه اسم الشیء تأمل نموده ایشان بر صراط حیران مانده دوست و دو هزار سال

بلکه این از جهت ذکر حدی است که در مقام طلوع شمس ربوبیت واقف شده و الا ایام و سنین و شهرور منقطع است از واقف زیرا که اولی از برای ظهور الله نبوده که محدود بحد شود و کل مظاهر ظهور راجع میشود امروز بنقطه بیان اینست که در عالم لا حد متأمل تأمل نموده و مسیر از عالم لا حد اقرب از ملح بصر گذشته و سیر نموده و اگر درجه بدرجه هر کس زیاده تأمل نموده بر صراط وقوف او بر صراط زیاده چه بسا اشخاصی که بر صراط میمانند الی قیامت دیگر مثل حروف کتاب الف که بر صراط کتاب قاف مانده الی الآن و حال آنکه قیامت آن گذشت



ORIGINAL



AUDIO

و آنچه احادیث در باب صراط وارد است اگر مشاهده کند کسی بعین فطرت کل را میبندد و از برای دون مؤمنین اداق از شعر و احد از سیف است صراط زیرا که نه میتوانند از حجیت آیات قبل بیرون روند و نه اتیان بمثل نمایند و نه از بعد نفوس خود اقرار بحق کنند این است که از برای ایشان احد از سیف و اداق از شعر میگردد و از برای مؤمنین اوسع از جنت میگردد زیرا که میگویند دین ما بقرآن ثابت بود و آن بود کتاب خداوند که کل عاجز از اتیان بآیه از آیات بمثل آن بودند و امروز همان شجره که قرآن را تکلم نمود تکلم بیان میفرماید کل من عند الله لا ریب فیه تنزیل من رب العالمین و عجزی که کل را بود در قرآن در بیان مشاهده میشود و از برای ما قدر وصل کاف بنون تأملی نیست در ایمان بخداوند و آیات او و اقرار بحقیقت باب او و کلمات او

چه بسا نفس که از صراط گذشته و داخل جنت میشوند و چه بسا از انفس که در حین گذشتن بنار میافتند و چه بسا اشخاص که واقف میشوند و نمیتوانند بگذرند و ممرین ناجی هستند و منحرفین یا واقفین هر دو در ظل نار ذکر میشود ای شجرة النفی لا دونها و چه بسا نفسی که از اول عمر الی آخر عمر عبادت خدا میکند و حینی که آیات خدا را میشوند تصدیق نمیکند و اگر تأمل کند بر صراط واقف میشود و در ظل نار حشر میشود و اگر جحد کند داخل نار میشود

و امروز محصی میخواهد که احصا کند که از صراط خالص نگذشته اند الا من شاء الله و کل بوقوف یا دون ایمان در ظلال نار حشر شده و خود خبر نشده و خداوند حکم ایشانرا نازل فرمود و تا یوم قیامت ثابت میماند آنچه خداوند نازل فرموده و ایشان هنوز بزعم خود در علو تقوای خود متقی هستند و خبر ندارند که حکم نار در حق آنها از قبل الله شد و بهمان حکم الی یوم القیامة در مقاعد خود معذب خواهند شد اگر چه وقتی که خداوند صراط را بر پا میدارد کل می فهمند ولی هر کس بچیزی محتجب میگردد که نزد خداوند بلا شیئیت بوده و هست چنانچه امروز صراط الله آیات است و کل میتوانند حجیت آنرا بفهمند و محتجب مینمائید خود را بچیزیکه نفع نمی بخشد ایشان را

سبحانک اللهم لتأخذن ایدی الذین آمنوا بالبیان یوم القیامة بفضلک علی ان تمرنهم علی الصراط اقرب من کلشیئ انک کنت علی کلشیئ رقیبا.

